

حکومت بازنگری بر نظام بانکی بدون ربا

احمد حکیم الهی

اعمال مدیریت مثبتی بر نظام اسلامی و حذف ربا از سیستم بانکداری کشور با مصوبه هشتم شهریور ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی (قانون عملیات بانکی بدون ربا بهره) و متعاقب آن، تدوین آیین نامه‌های اجرایی مصوبه هیئت وزیران با سلطه مالکانه دولت بر این بخش اقتصادی و در فضای انقلابی آن زمان، با تفسیر و تعدیل و مطالبات سازی مواردی از روال متداول بانکداری با این قانون، به دور از هر مانع و مقاومتی به اجرا گذاشته شده بدون اینکه:

الف: دگرگونی و تغییراتی را در ساختار مدیریتی و موضوعیت بانک‌ها و هدف‌بینی در این بازار پولی در تعیین تکلیف و رفع نیازهای مالی زنجیره اقتصادی جامعه در چارچوب این قانون بوجود آورد!

ب: تکلیفی برای هدایت نقدینگی‌های سرگردان و بی‌کاره و در بازار مالی و بازمانده از بورس و بازار سرمایه و هسته‌های تولیدی که به مالکیت دولت و بنیادهای تازه تأسیس در آمده بود مشخص شود و رهنمودی در هدایت این منابع به ایجاد کار و تولید ارائه گردد!

ج: طریقی را بریستن راه بهره‌کشی از سرمایه‌های موجود در دست افرادی که از توانمندی‌های تجربی بازار برخوردار بوده و با هر نفسی و از هر عاملی برای «فر به» ساختن بدنه ثروت و دارائی خود بهره‌می‌گرفتند را هنما باشد!

بیان این نکته ضرورت دارد که پیش از تصویب و اجرای قانون بانکداری بدون ربا، با برقراری نظام جمهوری اسلامی و سیاست‌گذاری‌های نظام در ساختار اقتصادی، بخش قابل توجه، مؤثر، کارآمد و ریشه یافته تولیدی کشور و بی‌آمد آن، واردات مواد اولیه مورد نیاز این زنجیره عظیم بهم پیوسته بود و بر همین پایه، سایر کالاهای مورد نیاز و اساسی لایه‌های جامعه، عجز لانه به انحصار مطلق دولت و قدرت‌مداران سیاسی و بنیادهای تازه تأسیس در آمد و امور نظارتی وزارت بازرگانی به امور واردات و صادرات کالا به یک شیوه تداخل مالکانه تبدیل و با تقسیم و گسترش بی‌رویه آن به شاخه‌های بازرگانی متعدد اصطلاحاً تخصصی و تازه تأسیس و بدون دانش تجاری کافی واگذار شد. توزیع کالاهای وارداتی و بخش عظیمی از تولیدات داخلی، به طور مطلق در اختیار این مجموعه دولتی قرار گرفت که آثار و نتایج سوء حاصل از آن در ترکیب و بدنه اقتصادی کاملاً قابل رؤیت است.



با این سیاست‌گذاری، منابع مالی و خوئی که در رگ‌های سیستم تولید و توزیع جریان داشت و در زمینه تعادل عرضه و تقاضا تأثیر بخش بود و در سیستم پولی و مهار تورم در زنجیره اقتصادی به ایفاء و تظیفه می‌پرداخت، از

مالی بخش اقتصادی، به دلیل کمبود منابع و درآمد، در برابر هزینه های مردم رو به افزایش سیستم گسترده شده اداری، بازار رقابتی سود پرداختی را، در جذب سپرده های گران قیمت تر در بانک ها فراهم ساخت که لزوماً افزایش سود دریافتی از تسهیلات را برای جبران آن ضروری و در نتیجه افزایش قیمت ها و نرخ تورم را موجب شد.

آثار سوء افزایش نرخ تورم به بالا بردن سطح تقاضا و توقعات هماهنگ با آن در زیر مجموعه وابستگان به دولت و طبقه دریافت کننده حقوق و دیگر لایه های دستمزد بگیر، سایر بخش های اقتصادی را فراهم ساخته است که هر دم قدرت خرید خود را از دست رفته می بینند و هر لحظه نیازی را از سبب مصرف خانواده خارج می کنند و نهایتاً به نارضایتی از کار و بیگانگی به تکلیف روی می آورند و اجباراً به راه جویی و جبران دست تنگیهایشان برای ترمیم و جبران کسری درآمد و دست یابی به نیازها، به اشتغال دوم کشیده می شوند.

اشتغال به کار دوم، تداخل ناشیانه به سایر حرفه ها، جاکگیری و تضییع حقوق افرادی است که جویای کار هستند و هر دم بر تعدادشان افزوده می شود و راهی به جایی نمی برند و بالا رفتن نرخ بیکاری توالی فاسد خود را بر دارد که گریبانگیر همه لایه های جامعه خواهد شد. الزام به رفع این خواسته ها و جلوگیری از این نارضایتی ها، دولت را ملزم

چرخش مالی و پولی خارج و به کناری گذاشته شد و نیروی عظیمی از لایه های جامعه که دست اندر کار انجام این امور بودند و از پتانسیل ها و توانمندی های تجربی در این زمینه بهره داشتند، با احساس بیهودگی به سمت و سوی رانت خواری، دلالی، احتکار کالا های ضروری مردم و سودجویی ها و ثروت اندوزی های مالی غیر اخلاقی گرایش یافتند و نهایتاً با اعمال روش های ناکارآمد بانکی و اختصاصی کردن استفاده از تسهیلات و افزایش نرخ دو طرفه سود، به ربا خواری، با بهای غیر معقول حتی تا سه برابر نرخ بانکی روی آوردند که نتیجه حاصل از این حرفه نامقبول، به افزایش بهای کالا های اساسی و مصرفی مورد نیاز طبقه فقیر و دستمزد گیر جامعه که درآمدی ثابت داشتند (و به تورم لحام گسیخته) انجامید، که کالبدی شکافی و تجزیه و تحلیل آن وقت و زمان دیگری را می طلبد. با به نداشتن کوشیدن و تحمل بار سنگین ضعف های مالی و کسر بودجه ها و روی آوردی دولت به استقراض بانکی و گاهی اعمال تکلیف مقامات و زورمداران سیاسی و صاحب نفوذ در تأمین خواسته های مالی مؤسسات و کارخانه های تولیدی به انحصار درآمد، مؤسسات مالی به منبع یاری رسانی به این مراکز تبدیل شد که غالباً از توانمندی های مدیریتی برخوردار نبودند و با اماندگی در استفاده از ظرفیت های مناسب خط تولید و کاربری نیروی انسانی و افزایش هزینه های سر بار تولید و بی انضباطی در تأمین مواد اولیه و ناتوانی در نگهداری و حفظ دستگاه های فنی خطوط تولید در تنگنا های مالی قرار داشتند و این اعمال تکلیف در یاری رسانی مالی، مدیران ناکارآمد و فاقد پیشش بانکداری را به ابزاری بی اختیار و غیر مستقل و عواملی تبدیل نمود که عملاً مجری دستورات و توقعات مقاماتی بودند که مسئولیت و وظیفه ای در قبال درستی و یا نادرستی رسالت و تکلیف بانکداری احساس نمی کردند تا جایی که، استمرار در انجام این خواسته ها در قالب فرمانبرداری که بار و ثمری هم در رفع معضلات اقتصادی نداده بود، به مرور از قبح این اشتباهات کاست و به صورت امری متداول در سیستم بانکداری جا خوش کرد.

مداخلات مالکانه نهادهای دولتی و یا وابسته به دولت، به موازات بروز ضعف در گردش منابع پولی و ادغام بانک ها و جابجایی پرسنل، حتی از سازمان ها و وزارت خانه های دولتی و با نامخوانی تحصیلات و با تخصص های غیر بانکی، عملاً مدیران حاکم بر این مؤسسات اقتصادی را به یک مسابقه در توسعه نامتناسب و تقویت سیستم اداری و کاغذ بازی و انتقال و هدایت پرسنل کارآمد از صف ارائه دهنده خدمات به ستاد و به اشتغال پست های بی مسئولیت و غیر ضروری و ادداشت که نتیجه حاصل از آن، تضعیف نیروی کار آزموده و آموزش بانکی دیده در شناسایی الویت های صرف منابع و رفع نیازهای مراجعین و آشفتنی در حصول اطمینان به بازگشت تسهیلات انجامید و موجبات بالا رفتن هزینه های بانکی، بوروکراسی بی حاصل، بهم پیچیدگی امور، ناتوانی در تسریع و رفع نیازها و نارضایتی مشتریان واقعی را فراهم ساخت و نهایتاً ناتوانی در رسالتی که بعهده داشت به دنبال داشت که خود به نوعی به تقویت بازار ربا خواری با نرخ های غیر معقول و افزایش قیمت ها و به بالا رفتن نرخ تورم یاری داد. ناکارآمدی سیستم بانکی بدون ریا در اجراء و ناتوانی در حل معضلات



شرکت خدمات مسافرتی

اطلس (عضو IATA)

شماره ثبت: ۷۵۴۰ تاریخ تاسیس: ۱۳۳۹/۷/۲۶

بیش از چهار دهه سابقه خدمت



به تامین منابع مالی آن، از طریق افزایش نرخ خدمات دولتی می نماید و افزایش حقوق ها به نوع دیگری باز پس گرفته می شود و این سیکل افزایش قیمت ها و ایجاد نارضایتی ها و کسر بودجه ها بی وقفه و افسار گسیخته ادامه می یابد و نظام بانکداری بدون ربا همچنان به مصداق چرخ خاموش است و آسیاب می گردد مقصود فراموش شده و راه کم کرده و بدون برنامه به بیراهه رفتن ادامه می دهد.

اعمال آیین نامه های مترتب بر اجرای قانون مصوبه مجلس شورای اسلامی، چنانچه با عاقبت بینی تدوین و با کارآمدی مدیران به اجرا در می آید، قادر بود و می توانست با هدف گیری آن در رابطه با عملیات بانکی و پولی مجاز به ایجاد زمینه های لازم در جذب سپرده ها و جمع آوری سرمایه های سرگردان و نقدینگی های مردم رو به فزونی نهاده به حساب های پس انداز مؤثر و در حاشیه سازمانده می و بسیع امکانات و منابع در تقویت سیستم های مبادله بین بانکی و ارتقای شیوه مدیریت اجرایی در کارایی و استفاده از خودپردازها و فناوری های الکترونیکی و سرعت بخشیدن به رفع نیازهای فوری پولی سپرده گذاران با جلوگیری از اتلاف وقت در صف بانک ها به تعریف واقعی از آن تحقق بخشد و سود حاصل از به کارگیری سرمایه های کوچک و سرگردان را شناسایی و به موازات دستیابی به سپرده های ارزان قیمت و تقلیل سودهای پرداختی به سپرده ها به منظور کاهش هزینه های بانکی و اختصاص

و توزیع این منابع کم بهاء به اولویت های تولیدی و مورد نیاز و ضروری مردم که در سید مصرف خانواده قرار دارد (و نه یا نرخ سه برابر مبتدا اول بین المللی)، تعادلی در عرضه و تقاضا و پی آمد آن کاهش قیمت ها برای استفاده قشر ضعیف جامعه ایجاد کند. از طرفی با تخصیص سود پرداختی و فرهنگ سازی به پس انداز و ایجاد ابزار دسترسی آسان به موجودی، شوق و رغبتی در پس انداز کنندگان برای واگذاری نقدینگی خود که به دلایل اشاره شده نزد خود نگهداری می نمایند به وجود آورد.

از یاد نبریم، با بی حاصلی این منابع و با افزایش نرخ تورم و نیاز به پول در گردش، حجم قابل توجهی از نقدینگی در خانه ها و نزد افراد نگهداری می شود و از گردونه چرخش مالی کشور خارج می گردد. بهیچیرم که بخش ناپییزی از ارقامی که در حساب های قرض الحسنه فعلی است بر اساس اجبار، تمرکز و گرد آمده است، نه به انتظار مالی و جوایی چون اسباب و اثاث خانه و مورد استفاده در آشپزخانه. با توانمندی بانک ها در تامین منابع مالی و رفع نیازهای پولی تولید در بخش تولید کالاها ضروری در سید خانواده و با استفاده از این پس اندازها، ابزاری برای رکود بازار آزاد ریا فراهم می آید و منابع اختصاص یافته به این بازار سرمایه نامقبول چنانچه در حاشیه تلاش، سیاست گذاری بر ایجاد بی رغبتی به گرایش آن به سمت و سوی معاملات ارز، طلا و ایجاد مانع برای واردات و واسطه گری های کالاها و قاچاق چاره اندیشی شود، مآلاً به پس انداز، سپرده و اوراق قرضه دولتی و غیر مستقیم به خدمت و یاری تولید و امور زیربنایی اقتصادی و سرمایه گذاری های مقبول در جامعه گرایش می یابد که نتایج حاصل از آن به کاهش نرخ سود تا مرز قابل تحمل و ایجاد تعادل در سود دریافتی و پرداختی با نرخ تورم می انجامد که امروز بار طاقت فرسا و لجام گسیخته آن کمر جامعه را خم کرده است.

تصویب قانون جلوگیری از پولشویی و تطهیر آن از طریق کنترل در سیستم بانکی، ارزش گذاری بر تولید و ایجاد اشتغال در مجموعه دولتی و رفع موانع آن، تدوین و اجرای قوانین بازدارنده در بستر سازی و ورود کالاها و قاچاق که هر روز دامنه وسیع تری می یابد و با نگرشی خوشبینانه به سه میلیارد دلار در سال (و البته برای سال جاری آنرا ۱۲ میلیارد دلار تخمین می زنند) بالغ می گردد (و موجب برناتوانی چرخه تولید داخلی و تغییر مسیر نقدینگی در جامعه به حرفه های در پرده و کارهای غیر اخلاقی با تصدی گری قلیلی از در دانه های گوشه و کنار انجام می پذیرد)، تغییر مسیر یارانه های مصرفی که بیشتر مورد استفاده طبقه مرفه جامعه قرار می گیرد (که هر که بیشتر مصرف می کند و توان مالی بهتری دارد بیشتر از آن استفاده می نماید و تبدیل این یارانه ها به پرداخت یارانه ها در تولید برای ایجاد رغبت به سرمایه گذاری، سعی در عدم استفاده دولت از استقرار بانکی که موجب تیز به نقدینگی و افزایش آن در جامعه و نهایتاً به رشد بی رویه تورم منتهی می شود، قطعاً با اتکاء به توانایی های فکری و علمی و نیروی جوان در جستجوی کار، کشور را به دسترسی به توسعه اقتصادی دلخواه و رفع محرومیت ها و بالا بردن سطح درآمد ملی یاری می دهد و به اهداف مورد نظر قانون بانکداری بدون ربا معنا می بخشد.